بررسی مسائل شبهه انگیز درباره زن

پدید آورنده : علی اصغر رضوانی ، صفحه 52

برخی از احکام اسلامی درباره زنان مورد شبهه و اشکال مغرضان یا جاهلان قرار گرفته است. جا دارد این موارد را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

1. زن و سنّ بلوغ

برخی کم بودن حدّ بلوغ در زن و تقدّم او در رسیدن به تکلیف را زحمتی زودرس برای او دانسته و از این جهت مرد را خوش شانس تر و برتر از زن دانسته اند. در حالی که می توان گفت: توفیق زن بیش از مرد است و اگر انسان تنزّل کند دست کم باید بگوید زن همانند مرد است؛ زیرا تقریبا شش سال قبل از این که مرد مکلّف شود زن را ذات اقدس خداوند به حضور پذیرفته است. زن همین که از نه سالگی گذشت و وارد دهمین سال زندگی شد خداوند او را به حضور می پذیرد و با او سخن می گوید. آن وقتی که هنوز مرد به عنوان یک نوجوان مشغول بازی است زن مشغول راز و نیاز با خداوند و نماز و تکالیف دیگر است، و این همه نشانه آن است که زن برای دریافت فضایل، از مرد شایسته تر است. بنا بر این اساس بلوغ، یک شرافت است. آن ها که اهل سلوکند می گویند: ما مشرّف شدیم نه مکلّف؛ زیرا زحمت و مشقّتی در کار نیست، بلکه شرف در کار است.

از طرفی متخصصان می گویند: «رشد دختران سریع تر از پسران است. به این معنا که رشد استخوان بندی، رویش دندان ها و رشد غدد تناسلی در آن ها سریع تر از پسرها است. سبقت متوسط دخترها از پسرها که در حدود یک یا دو سال می باشد، در تمام مدّت کودکی و بلوغ پایدار است».

2. زن و دیه متفاوت

مطابق آنچه که در بحث دیات آمده، دیه زن نصف دیه مرد است؛ ولی این نکته قابل توجه است که دیه در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول استوار نیست، بلکه یک دستور خاصی است که ناظر به مرتبه بدن انسان کشته شده می باشد. نشانه آن این است که اسلام بسیاری از افراد اعم از مرد و زن را که دارای اختلاف علمی یا عملی اند و آنان را از این جهت متفاوت می بیند، درعین حال دیه آن ها را مساوی می داند.

مثلاً خداوند متعال با وجود آن که می فرماید: (هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ)؛ «آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند یکسانند؟»

نیز می فرماید: (لا یَسْتَوِی الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ غَیْرُ أُولِی الضَّرَرِ وَ الْمُجاهِدُونَ فِی سَبیلِ اللّهِ)؛ «[هرگز[ افراد با ایمان که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد باز نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا جهاد کردند، یکسان نیستند.»

و همچنین می فرماید: (لا یَسْتَوِی مِنْکُمْ مَنْ أنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ اُولئِکَ أعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِینَ أنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا...)؛

«کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند [با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند] یکسان نیستند، آن ها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق و جهاد کردند...».

ولی در عین حال با تصریح بر تفاوت معنوی آنان، به تساوی آنان در مورد قصاص و دیه تصریح دارد و می فرماید: (وَ کَتَبْنا عَلَیْهِمْ فِیها أنَّ النَّفْسَ بِالنّفس وَ الْعَیْنَ بِالْعَیْنِ وَ الأنْفَ بِالأنْفِ وَ الأُذُنَ بِالأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصاصٌ...)؛ «و مقرّر کردیم بر ایشان که جان در مقابل جان و چشم و بینی در برابر چشم و بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می باشد و زخم ها به همان ترتیب قصاص دارند...».

لکن همین عموم یا اطلاق در آیه دیگر تقیید و تخصیص می خورد؛ زیرا خداوند در آیه دیگر می فرماید: (یا أیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلی الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الأنْثی بِالاُنْثی)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! درباره کشتگان بر شما قصاص مقرّر شده، آزاد عوض آزاد و بنده در مقابل بنده و زن در برابر زن.»

با این آیه، عموم یا اطلاق آیه قبلی تخصیص یا تقیید می پذیرد؛ یعنی زن در قبال زن قصاص می شود نه مرد، و حکم دیه هم در اسلام با تفاوت بین زن و مرد تدوین شده است، و این ممکن است بدین جهت باشد که از مرد کار بیشتری نسبت به زن - با وجود عقل اقتصادی و معیشتی بیشتر که در او است - بر می آید. ولی از جهت ارزش های معنوی ممکن است زنی بیش از مرد مقرّب نزد خدا باشد. بنابراین، تساوی دیه عالم و جاهل نه از ارج و منزلت عالِم می کاهد و نه بر مقام جاهل می افزاید. نیز تفاوت دیه مرد و زن نه بر منزلت مرد می افزاید و نه از مقام زن می کاهد؛ زیرا برخی تفاوت های مادی و مالی هیچ گونه ارتباطی به مقام های معنوی ندارد، و هیچ تلازم عقلی یا نقلی بین دیه و کمال معنوی وجود ندارد تا هر اندازه دیه بیشتر شود قداست روح مقتول و تقرّب وی نزد خداوند افزون تر باشد.

آری حکم کلامی قتل، ناظر بر ارزش معنوی انسان مقتول است؛ از این رو قتل عمدی مرد یا زن مؤمن از این جهت یکسان است ؛ یعنی اگر قتل عمدی مؤمن، عذاب ابد یا دراز مدت به دنبال دارد هرگز فرقی بین مؤمن زن یا مرد، وجود ندارد، همان گونه که از جهت لزوم کفاره هیچ فرقی بین قتل زن و مرد نیست.

3- زن و نقصان ایمان

از دیگر مسائل شبهه برانگیز درباره زنان شبهه ناقص بودن ایمان زنان است و به کلام امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز تمسک می کنند تا بتوانند سخن خود را به اثبات برسانند.

امام علی (علیه السلام) بعد از فارغ شدن از جنگ جمل در مذمّت زنان می فرماید: «معاشر الناس! انّ النساء نواقص الایمان... فامّا نقصان ایمانهنّ فقعودهنّ عن الصلاة و الصیام فی ایّام حیضهنّ...»؛ «ای جماعت مردم! همانا زنان دارای نقصان ایمان، نقصان بهره ها (ارث) و نقصان عقل می باشند... و امّا (از آثار) نقصان ایمان زنان کناره گیری آنان از نماز و روزه در ایّام حیضشان است...».

توجه به یک نکته ضروری است و آن این که مسئله حیض زن از حالات طبیعی زن است. از طرفی خداوند متعال زن را در ایّام حیض از نماز و روزه باز داشته است. حال چگونه می توان با این وضع مسئله نقص ایمان زن را توجیه نمود؟

پاسخ: حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام)، این خطبه را بعد از جنگ جمل ایراد فرمود؛ جنگی که محرّک اصلی آن زنی به نام عایشه دختر ابوبکر بود و در آن جنگ خون عده بی شماری بی گناه بر زمین ریخت. این جنگ به سبب موضع انفعالی و احساساتی عایشه نسبت به امیر مؤمنان (علیه السلام) درگرفت و تعدادی از اصحاب نیز که با حضرت دشمنی داشتند و خیال قدرت را در سر می پروراندند او را کمک و تشویق کردند. موقعیّت و منزلت عایشه به سبب آن که همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود در نزد عموم مردم بسیار بزرگ شمرده می شد و این منزلت سرچشمه تأثیر بر عامه مردم بود.

4- زن و نقصان سهم ارث

مسئله دیگر در این عرصه که مستمسک افرادی قرار گرفته که برای زن هیچ جایگاهی قائل نیستند مسئله نقصان سهم ارث زن است.

امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره زنان می فرماید: «انّ النساء نواقص الایمان، نواقص الحظوظ... و امّا نقصان حظوظهنّ فمواریثهنّ علی الأنصاف من مواریث الرجال...»؛ «ای جماعت مردم! همانا زنان دارای نقصان ایمان، نقصان بهره ها (ارث) و نقصان عقل می باشند... و امّا نقصان بهره آن ها، به همین جهت است که ارث آنان نصف ارث مردان است...».

اشکال شده که این حدیث با کرامت زن سازگاری ندارد.

پاسخ: در این باره به نکاتی چند اشاره می کنیم تا کسی گمان نبرد که در این موضوع به زن ظلم شده است:

1- عمده مخارج زندگی مشترک بر عهده مرد است، از قبیل نفقه عیال، اعم از مسکن و لباس و خورد و خوراک؛ مهریه به عهده شوهر است؛ دیه خطایی بر عهده اقوام مرد قاتل است و بر زنان توزیع نمی گردد و نمونه هایی دیگر از مخارج سنگین که بر دوش مرد است و منبع مالی عظیمی را می طلبد.

2- باید توجه داشت که زن همانند مرد همراه با تمام طبقات ارث، حضور حقوقی دارد و در تمامی مراتب طبقه بندی شده سهم خود را اخذ می کند؛

3- این طور نیست که سهم زن از ارث دائما کمتر از مرد باشد، بلکه گاهی با مرد مساوی است و گاهی کمتر از سهم او و زمانی نیز بیشتر از سهم مرد می باشد.

مواردی را که زن همتای مرد ارث می برد عبارتند از این که میّت فرزند داشته باشد با پدر و مادر، که در این صورت سهم هر کدام از پدر و مادر 61 است و مورد دیگر، برادر و خواهر مادری میّت است که به اندازه مساوی ارث می برند.

اما موردی که زن کمتر از مرد ارث می برد در فرزندان شخص میّت است که دختر و کمتر از پسر ارث می برد.

موردی هم که سهم زن بیش از سهم مرد می باشد موردی است که میّت غیر از پدر و دختر وارث دیگری نداشته باشد که در این صورت 61 مال برای پدر است و بقیه برای دختر.

پی نوشتها:

1. روان شناسی اختلافی، ص 202 و 203.

2. سوره زمر (39) آیه 9.

3. سوره نساء (4) آیه 95.

4. سوره حدید (57) آیه 10.

5. سوره مائده (5) آیه 45.

6. سوره بقره (2) آیه 178.

7. نهج البلاغه، خطبه 80.

8. همان.